

هنجاریابی و ساختار عاملی مقیاس تعاملات خانوادگی (FCS) و رضایت خانوادگی (FSS): در خانواده‌های ایرانی

Measurement Model and Psychometric Properties of Family Communication Scale (FCS) and Family Satisfaction Scale (FSS) in Iranian Families

M. Habibi, Ph.D.

✉ دکتر مجتبی حبیبی

دکتری تخصصی روان‌شناسی سلامت، استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

M. A. Mazaheri, Ph.D.

دکتر محمدعلی مظاهری

دکتری تخصصی روان‌شناسی بالینی، استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

S. Dehghani

سپیده دهقانی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه تهران

A. Ashori, Ph.D.

دکتر احمد عاشوری

دکتری تخصصی روان‌شناسی بالینی، استیتو روان‌پزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران

دریافت مقاله: ۹۲/۹/۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۳/۲/۱۴

پذیرش مقاله: ۹۳/۳/۴

Abstract

The present study examined the stability of the factor structure and psychometric properties of the complementary scales of family adaptability and cohesion evaluation scales (FACES) in Iranian families. The scale was translated into Persian language and was used as part of a battery of

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس‌های تکمیلی انسجام و سازگاری خانواده (FACES-IV)، یعنی مقیاس تعاملات خانوادگی (FCS) و مقیاس رضایت خانوادگی (FSS) در جامعه خانواده‌های ایرانی بود. این پژوهش یک مطالعه توصیفی و مقطعی است که برای این منظور ۱۶۵۲ آزمودنی از اعضای خانواده‌های

✉ Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University (G. C.)
Email: Mo_habibi@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

پست الکترونیکی: Mo_habibi@sbu.ac.ir

questionnaires consisting of the scales measuring family communication scale (FCS), family satisfaction scale (FSS), depression, anxiety, stress scale (DASS), youth self-report for behavior problems (YSR), parenting stress index-short form (PSI-SF), and life events (LF). A sample of 1652 subjects (father= 558, mother= 576, child=518) from seven capital cities including Tehran, Mashhad, Tabriz, Kermanshah, Yazd, Shiraz, and Esfahan completed questionnaires.

Confirmatory factor analysis upheld the original two-factor structure. The results provided acceptable internal consistency, test-retest reliability, convergent, and divergent validity.

Findings supported the Persian version of FCS and FSS for cross-cultural use as a valid and reliable measure for diagnostic purposes in family context.

Keywords: Family Communication, Family Satisfaction, Psychometric Property.

هفت استان تهران، مشهد، تبریز، کرمانشاه، یزد، شیراز و اصفهان (۵۵۸ پدر، ۵۷۶ مادر و ۵۱۸ فرزند) مقیاس‌های تعاملات و رضایت خانوادگی را تکمیل نمودند. برای بررسی روایی همگرا و واگرا از مقیاس سلامت خلقی (DASS)، پرسش‌نامه مشکلات رفتاری کودکان (YSR)، فرم کوتاه مقیاس استرس فرزندپروری (PSI-SF) و فهرست وقایع زندگی (LE) استفاده گردید.

نتایج آلفای کرونباخ حاکی از آن بود که میزان اعتبار مقیاس تعاملات خانوادگی برای پدران، مادران و فرزندان خانواده به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۷ و ۰/۸۹ و مقیاس رضایت خانوادگی برای پدران، مادران و فرزندان خانواده به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۸ و ۰/۸۹ به دست آمد. بررسی روایی همگرا و واگرا از طریق محاسبه ضریب همبستگی مقیاس تعاملات و رضایت خانوادگی با مقیاس DASS، YSR، PSI-SF و SF و LE رضایت‌بخش بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که الگوی دو عاملی وابسته به هم تحت عناوین دو زیرمقیاس تعاملات و رضایت خانوادگی، برازش خوبی با داده‌ها دارد. در بررسی ساختار عاملی، نتایج پژوهش از مدل دو عاملی متمایل حمایت کرد. بر اساس نتایج، مقیاس‌های تعاملات و رضایت خانوادگی واجد ویژگی‌های روان‌سنجی برای کاربرد در پژوهش‌های روان‌شناختی خانواده‌های ایرانی است.

کلیدواژه‌ها: تعامل خانوادگی، رضایت خانوادگی، ویژگی‌های روان‌سنجی.

مقدمه

در زمینه خانواده‌درمانی و ارزیابی خانواده، در طول ۲۵ سال گذشته نظریات و پژوهش‌های زیادی به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بوده‌اند که چه ابعادی نشان‌دهنده کارکرد خانواده سازگار

است. شواهد پژوهشی و تجربی مختلف بر اهمیت دو بعد انسجام^۱ و انعطاف‌پذیری^۲ تأکید کرده‌اند (باربر و بوهرلر^۳، ۱۹۹۶؛ دوهرتی و هواندر^۴، ۱۹۹۰؛ ورنر، گرین، گرینبرگ، براون و مک کنا^۵، ۲۰۰۱). در سال ۱۹۷۹ السون، اسپرنکل و راسل^۶ مدل مدور سیستم‌های خانواده و زوجین^۷ را بعد از مرور بیش از ۵۰ مطالعه پژوهشی و تجربی روی کارکرد خانواده و کار تجربی در زمینه ابزارهای خانواده تدوین کردند (السون، ۲۰۱۱). این مدل دربرگیرنده سه مفهوم اساسی برای کارکرد خانواده است: انسجام، انعطاف‌پذیری و تعامل^۸. انسجام به عنوان پیوند هیجانی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر و انعطاف‌پذیری به عنوان کیفیت و بیان رهبری و سازماندهی، رابطه نقش و قواعد روابط و مذاکرات تعریف شده است. تعامل که شامل مهارت‌های ارتباطی مثبت مورد استفاده در سیستم خانواده یا زوجین است به عنوان بعد تسهیل‌کننده در نظر گرفته شده و به خانواده‌ها و زوجین در تغییر سطح انسجام و انعطاف‌پذیری و کارکرد بهتر کمک می‌کند. فرضیه اصلی مدل مدور که فرضیه منحنی نامیده می‌شود این است که سطوح متوازن^۹ انسجام و انعطاف‌پذیری نشان‌دهنده کارکرد خانواده سالم است و سطوح نامتوازن^{۱۰} انسجام و انعطاف‌ناپذیری (میزان بسیار کم یا زیاد) با کارکرد خانواده مشکل‌زا رابطه دارد (السون، ۲۰۱۱).

از سوی دیگر، در زمینه خانواده، داشتن ابزارهایی که پایایی و روایی مناسبی داشته باشند بسیار مهم است. علاوه بر این، اندازه‌گیری کارکرد خانواده حوزه پیچیده‌ای است که اختلاف‌نظرهای زیادی را به دنبال خود دارد (بایوکو، کاکویو، لاگی و تافا^{۱۱}، ۲۰۱۳). بنابراین بخش عظیمی از تلاش‌های پژوهشی در جهت ساخت و تحول ابزارهای اندازه‌گیری بوده است. تاکنون ابزارهای مختلفی برای ارزیابی کارکرد خانواده طراحی شده که برخی از آنها عبارتند از: ابزار ارزیابی خانواده (FAD)؛ کاباکوف، میلر، بیشاپ، اپستین و کتنر^{۱۲}، ۱۹۹۰، مقیاس ارزیابی خانواده (FAM-III)، اسکینر، استینه‌اور و سانتا - باربارا^{۱۳}، ۱۹۸۳، سیاهه خانواده خودگزارشی بیورز (SFI)؛ بیورز و هامپسون^{۱۴}، ۱۹۹۰، مقیاس محیط خانواده (FES)؛ موس و موس^{۱۵}، ۱۹۸۳، مقیاس اثربخشی جمعی خانواده ادراک شده (FCFES)؛ کاپرارا، رگالیا، اسکابینی، باربارانلی و باندورا^{۱۶}، ۲۰۰۴، مقیاس خودکارآمدی ادراک شده والدین (PPSES)؛ کاپرارا و همکاران، ۲۰۰۴ و مقیاس درجه‌بندی بالینی (CRS)؛ اولسون، ۱۹۹۰).

یکی از پرکاربردترین ابزارهای ارزیابی و سنجش کارکرد خانواده مقیاس ارزیابی انسجام و سازگاری خانواده (FACES)^{۱۷} است که بر اساس مدل مدور سیستم‌های خانواده و زوجین ساخته شده است (السون، ۲۰۱۱). اولین نسخه FACES توسط السون، بل و پورتنر^{۱۸} در سال ۱۹۷۸ ساخته شد و ۱۱۱ ماده داشت. این ابزار به منظور بهبود و ارتقاء ویژگی‌های روان‌سنجی چندین بار مورد بازبینی قرار گرفت و نسخه‌های FACES-II (السون، بل، پورتنر، ۱۹۸۲) و FACES-III (السون، پورتنر، لوی^{۱۹}، ۱۹۸۵) به وجود آمدند (کونسکی^{۲۰}، ۲۰۰۰). با وجود داشتن روایی و پایایی

مناسب، برای پاسخ به انتقاداتی که در رابطه با نسخه‌های قبلی FACES صورت گرفته بود السون، گورال و تیزل^{۲۱} (۲۰۰۶) FACES-IV را طراحی کردند. FACES-IV به صورت یک پکیج ۶۲ سؤالی است. ۴۲ ماده آن مربوط به ابزار FACES IV است که دو زیرمقیاس متوازن انسجام و انعطاف‌پذیری (که در نسخه‌های قبلی FACES نیز وجود داشت) و چهار زیرمقیاس نامتوازن گسسته^{۲۲}، به هم تنیده^{۲۳}، آشفته^{۲۴} و نامنعطف^{۲۵} را شامل می‌شود. علاوه بر این دو مقیاس تکمیلی به نام‌های رضایت خانوادگی^{۲۶} و تعاملات خانوادگی به آن اضافه شده است. تعامل که سومین بعد مدل مدور است اهمیت زیادی دارد، زیرا اعضای خانواده را قادر می‌سازد که نیازها، خواسته‌ها و نگرانی‌هایشان را نسبت به یکدیگر بیان کنند، مشکلات اجتناب‌ناپذیری که در هر خانواده‌ای رخ می‌دهد را حل نمایند (پترسون و گرین^{۲۷}، ۲۰۰۹) و این بعد رسیدن به انسجام و انعطاف‌پذیری متوازن را تسهیل می‌کند.

بنابراین سنجش آن برای ارزیابی کامل مدل مدور لازم است. مقیاس تعاملات خانوادگی (FCS؛ السون و بارنز^{۲۸}، ۲۰۰۴) که نشان‌دهنده چگونگی تعاملات اعضای خانواده با یکدیگر است یک مقیاس ۱۰ سؤالی است و بر اساس مقیاس ۲۰ ماده‌ای تعاملات والدین - نوجوان (PAS؛ بارنز و السون، ۱۹۸۵) ساخته شده است. از سوی دیگر رضایت خانوادگی به عنوان درجه‌ای که اعضای خانواده احساس خوشحالی و کامل شدن با یکدیگر را دارند تعریف شده است (السون و ویلسون^{۲۹}، ۱۹۸۲). مقیاس رضایت خانوادگی (FSS) نیز یک پرسش‌نامه ۱۰ سؤالی است که بر مبنای مقیاس ۱۴ سؤالی آن ساخته شده است (السون و ویلسون، ۱۹۸۲). این مقیاس درجه رضایت اعضای خانواده نسبت به جنبه‌های مختلف انسجام، انعطاف‌پذیری و به طور کلی کارکرد خانواده را ارزیابی می‌کند و یک مقیاس برون‌داد مهم است.

اکثر پژوهش‌های انجام شده برای تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی در کشورهای مختلف روی ابزار ۴۲ ماده‌ای FACES-IV صورت گرفته و نتایج مطلوبی را گزارش کرده‌اند (فرانکلین، استریتر و اسپرینگر^{۳۰}، ۲۰۰۱؛ گورال، ۲۰۰۲؛ السون و همکاران، ۲۰۰۶؛ السون و همکاران، ۲۰۰۷؛ کرادوک^{۳۱}، ۲۰۰۱؛ لاگی، بایوکو، لانیگرو، کاپاکچیون و باومگارتنر^{۳۲}، ۲۰۱۲؛ ریورو، مارتینز - پامپلیگا و السون^{۳۳}، ۲۰۱۰؛ میرنیکس، وارگا، تورث و باگدی^{۳۴}، ۲۰۱۰؛ کوترا، تربلیوا، روملیوتاکس، لیونیس و گوناز^{۳۵}، ۲۰۱۳). اما به طور خاص در مورد دو مقیاس تکمیلی تعاملات و رضایت خانوادگی پژوهش‌ها محدودتر است.

پژوهش‌های اصلی ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی را برای آن‌ها گزارش کرده‌اند (السون و همکاران، ۲۰۰۶؛ السون، ۲۰۱۱). در پژوهش‌هایی که در کشورهای مجارستان (میرنیکس و همکاران، ۲۰۱۰) و یونان (کوترا و همکاران، ۲۰۱۳) صورت گرفت، از پکیج ۶۲ ماده‌ای ACES IV استفاده شد و ویژگی‌های روان‌سنجی این دو مقیاس تکمیلی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

گزارش‌های تجربی دیگر نیز برخی از اطلاعات روان‌سنجی این دو مقیاس را منتشر کرده‌اند (ریورو و همکاران، ۲۰۱۰؛ بایوکو و همکاران، ۲۰۱۳؛ گراکا پیرا و تکسیرا^{۲۶}، ۲۰۱۲؛ اخلاق، اقبال مالک و اسلام خان^{۲۷}، ۲۰۱۳).

علی‌رغم نیاز محققان و درمانگران حوزه خانواده به مقیاس‌های تکمیلی تعاملات و رضایت خانوادگی به منظور سنجش کامل‌تر مدل مدور، این ابزارها تاکنون در ایران ترجمه و آماده‌سازی نشده است. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف هنجاریابی و بررسی ساختار عاملی این دو مقیاس در هفت استان کشور انجام شده است. سؤالاتی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌هاست عبارتند از:

- آیا ساختار عاملی مقیاس‌های تعاملات و رضایت خانوادگی در جامعه ایرانی تأیید می‌شود؟
- آیا مقیاس‌های تعاملات و رضایت خانوادگی از اعتبار مطلوبی برخوردار هستند؟
- آیا مقیاس‌های تعاملات و رضایت خانوادگی دارای روایی همگرا و واگرا با مقیاس‌های سلامت خلقی، استرس فرزندپروری، مشکلات رفتاری کودکان و وقایع زندگی هستند؟
- توزیع نمرات Z و T معادل نمرات خام مقیاس‌های تعاملات و رضایت خانوادگی چگونه است؟

روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر اعتباریابی بود اما با توجه به روش اجرا می‌توان آن را در قالب روش‌های زمینه‌یابی قرار داد. جامعه آماری این تحقیق عبارت بود از کلیه خانواده‌های ایرانی که در سال ۱۳۸۸ در ایران زندگی می‌کردند. در پژوهش حاضر دو گروه نمونه مورد بررسی قرار گرفت؛ گروه نمونه هنجاریابی و گروه نمونه بازآزمایی. با توجه به حجم جامعه، بهترین روش نمونه‌گیری قابل استفاده و مناسب با جامعه مورد مطالعه، نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. بدین ترتیب کشور ایران در ۵ قطب خوشه‌ای شمالی، جنوبی، شرقی و غربی و مرکزی طبقه‌بندی شد و از هر خوشه ۱ استان به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس مرکز هر استان انتخاب شده، با در نظر گرفتن روش نمونه‌گیری تصادفی بلوکی، منازل انتخاب و مورد آزمون قرار گرفت.

لازم به ذکر است در خانواده‌های انتخاب شده هر یک از زوجین و در خانواده‌هایی که فرزند مجرد بالاتر از ۱۲ سال داشتند، فرزند ارشد خانواده نیز به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. گروه نمونه بازآزمایی شامل ۶۵ خانواده بود که مورد بازآزمایی قرار گرفتند. شایان ذکر است که بر اساس راهنمای اجرای پرسش‌نامه FACES-IV آزمون مجدداً ۲۰ روز پس از اجرای آزمون اول صورت گرفت. گروه نمونه بازآزمایی از بین همان گروه نمونه هنجاریابی به شکل تصادفی انتخاب شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، فقط پرسش‌نامه‌هایی مورد استفاده قرار گرفتند که به همه سؤالاتها جواب داده باشند.

روش اجرا

این پژوهش در چند مرحله انجام گرفت. ابتدا سؤال‌ها ترجمه شد و سپس به کمک اساتید روان‌شناسی، صحت و روایی محتوایی پرسش‌نامه بررسی گردید. در مرحله بعد با استفاده از روش ترجمه معکوس از فارسی به انگلیسی، صحت ترجمه عبارات و اصطلاحات توسط دو نفر از متخصصین رشته زبان انگلیسی چک شد. پس از این مرحله، طی یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ خانواده عادی میزان قابل درک بودن نسخه اولیه فارسی مورد بررسی قرار گرفت و پس از رفع نواقص، پرسش‌نامه برای اجرا در نمونه اصلی آماده شد. در فرایند جمع‌آوری داده‌ها در گروه عادی، شرکت‌کنندگان در پژوهش همگی بعد از کسب رضایت آگاهانه شفاهی برای مشارکت در پژوهش و داشتن حق ترک جلسه در صورت منصرف شدن از ادامه کار، به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. پژوهش حاضر از نظر رعایت مسائل اخلاقی در پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی مورد تأیید قرار گرفته است. در مرحله اجرا، مقیاس رضایت خانوادگی، مقیاس تعاملات خانوادگی و فرم کوتاه شاخص تنیدگی فرزندپروری توسط پدر و مادر خانواده و یکی از فرزندان بالای ۱۲ سال خانواده، مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس توسط پدر و مادر خانواده و مقیاس مشکلات رفتاری کودک و نوجوان توسط یکی از فرزندان در مدت ۱ ساعت در منزل شخصی آزمودنی‌ها اجرا شد.

ابزارهای پژوهش

مقیاس رضایت خانوادگی (FSS): مقیاس رضایت خانوادگی، پرسش‌نامه‌ای ۱۰ سؤالی است که بر اساس مقیاس ۱۴ سؤالی السون و ویلسون (۱۹۸۲) ساخته شده است. هر دوی این مقیاس‌ها (۱۰ سؤالی و ۱۴ سؤالی) به منظور ارزیابی رضایت از جنبه‌های مختلف کارکرد خانواده از جمله انسجام، انعطاف‌پذیری و ارتباطات خانوادگی طراحی شده است. السون (۲۰۰۷) در نمونه‌ای ۲۴۶۵ نفری از اعضای خانواده ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۹۲ و ضریب بازآزمایی را ۰/۸۵ گزارش کرده است.

مقیاس تعاملات خانوادگی (FCS): مقیاس تعاملات خانوادگی، مقیاسی ۱۰ سؤالی است که بر مبنای مقیاس ۲۰ سؤالی تعاملات والدین - نوجوان (بارنز و السون، ۱۹۸۵) تدوین شده است. السون (۲۰۰۷) در نمونه‌ای ۲۴۶۵ نفری از اعضای خانواده پایایی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و ضریب بازآزمایی ۰/۸۶ گزارش کرده است.

فرم کوتاه شاخص استرس فرزندپروری^{۳۸} (PSI-SF): این مقیاس یک ابزار ۳۶ سؤالی خودگزارش‌دهی است که توسط آبدین^{۳۹} (۱۹۹۵) برای اندازه‌گیری استرس در موقعیت رابطه بین کودک - والدین و شناسایی منابع استرس روان‌شناختی آن‌ها طراحی شده است. منابع عمده استرس یعنی ویژگی‌های کودک و مراقب کودک شامل تجارب استرس‌زای موقعیتی زندگی به واسطه این

ابزار اندازه‌گیری می‌شود. شاخص استرس فرزندپروری شامل مقیاس پاسخ‌های دفاعی نیز هست که برای مشخص کردن منابع استرس گزارش نشده توسط والدین طراحی شده است. نمرات ابتدا تبدیل به رتبه‌های درصدی می‌شوند. نمرات بین رتبه‌های درصدی ۱۵ الی ۸۰ دامنه نرمال در نظر گرفته می‌شوند. این مقیاس در مطالعات مختلف از اعتبار و روایی قابل قبولی برخوردار بوده است (آبدین، ۱۹۹۵؛ ریتمن، کوریر و استیکل^{۴۰}، ۲۰۰۲). نتایج مطالعات (آبدین، ۱۹۹۵؛ سیلووسکی و نایس^{۴۱}، ۲۰۰۲) حاکی از آن است که این ابزار از قدرت تفکیک بالایی بین والدین گروه بالینی و عادی برخوردار است. در ایران اعتبار این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های استرس والدین^{۴۲}، نارسایی کنش‌وری تعامل کودک - والدین^{۴۳}، ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین^{۴۴} و نمره کل به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۶، ۰/۸۹ و ۰/۹۳ به دست آمد و همبستگی نمره کل این ابزار روی ۴۰ مادر مراجعه‌کننده به کلینیک کودک و نوجوان با خرده‌مقیاس‌های درونی‌سازی^{۴۵} ($r=0/40, p<0/01$) و برون‌ی‌سازی^{۴۶} ($r=0/56, p<0/01$) پرسش‌نامه مشکلات رفتاری آخنباخ^{۴۷} (CBCL) حاکی از روایی همگرا و واگرایی^{۴۸} رضایت‌بخشی بود (فدایی، ۱۳۸۷).

مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (DASS): برای بررسی میزان سلامت خلقی گروه نمونه در پژوهش حاضر از مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس فرم ۴۲ سؤالی استفاده شد. این مقیاس توسط لایباند و لایباند^{۴۹} (۱۹۹۵) ساخته شده و در ایران توسط دهقانی، حبیبی و خطیبی (۲۰۱۳) روی نمونه‌ای از جمعیت عمومی، دانشجویان و بیماران درد مزمن هنجاریابی شده است. نتایج حاکی از استخراج سه عامل افسردگی، اضطراب و استرس و تایید روایی سازه این مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی در هر گروه بود. اعتبار این مقیاس در گروه جمعیت عمومی، دانشجویی و بیماران مزمن به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۷ و ۰/۶۲ به دست آمد. روایی همگرای این مقیاس با مقیاس‌های CAI، BDI، MMPI-2، PVAQ، TSK و PASS و روایی تمییزی مقیاس DASS برای تمایزگذاری بین گروه افراد عادی و بیماران درد مزمن در حد رضایت‌بخش بود.

مقیاس مشکلات رفتاری کودک و نوجوان (YSR): این مقیاس توسط ایشنباخ^{۵۰} (۱۹۹۱) ساخته شده و توسط حبیبی، بشارت، فدایی و نجفی (۱۳۸۸)، کاکابرایی، حبیبی و فدایی (۱۳۸۷) در ایران هنجاریابی شده است. فرم مشکلات رفتاری کودک و نوجوانان (YSR)، یک مقیاس خودگزارشی برای سنین ۶ تا ۱۸ سال است و دو بخش شایستگی‌ها و نشانگان را دارد. مقیاس نشانگان شامل گوشه‌گیری/افسردگی، شکایات بدنی، افسردگی/اضطراب، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، رفتار بزهکارانه، رفتار پرخاشگرانه و همچنین مقیاس سایر مشکلات رفتاری است که مجموعه ناهمگونی از ناراحتی‌های مختلف مثل رفتار به شیوه جنس مخالف، نافرمانی، غذا نخوردن، ترس از مدرسه، ناخن جویدن، کابوس، پرخوری، اضافه وزن، کم‌خوری و غیره را تشکیل می‌دهند. در مجموع فهرست رفتاری کودکان و نوجوانان مشتمل بر چند بخش زیر است:

بخش ارزیابی توانایی تحصیلی کودکان و نوجوانان در زمینه‌های توانایی شناختی و موضوعات تحصیلی و آموزش، بخش ارزیابی توانایی اجتماعی کودکان و نوجوانان برای سنجش میزان سازگاری کودکان و نوجوانان با همسالان، خواهر، برادر، والدین و نحوه کنار آمدن کودکان و نوجوانان با خود و بخش ارزیابی مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان و نوجوانان. نتایج بررسی روایی سازه این مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی در ایران حاکی از حمایت یافته‌ها از ساختار ۸ عاملی این مقیاس بود و روایی همگرایی این مقیاس با پرسش‌نامه J-EPQ و مشکلات رفتاری راتر در حد رضایت‌بخش بود. اعتبار آزمون YSR با رویکرد مبتنی بر سنجش تجربی ایشنباخ با استفاده از آلفای کرونباخ برای پسران ۰/۸۹ و برای دختران ۰/۹۴ و با استفاده از روش دو نیمه کردن برای پسران ۰/۸۴ و برای دختران ۰/۸۷ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های اضطراب/ افسردگی، گوشه‌گیری/ افسردگی، مشکلات جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، رفتار قانون‌شکنی، رفتار پرخاشگرانه، برونی‌سازی، درونی‌سازی و مشکلات کلی به ترتیب برابر ۰/۸۳، ۰/۸۵، ۰/۷۸، ۰/۷۹، ۰/۶۶، ۰/۷۸، ۰/۶۴، ۰/۸۷، ۰/۸۹، ۰/۸۱، ۰/۷۹ و ضریب اعتبار دو نیمه کردن برای همان زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۱، ۰/۶۸، ۰/۸۶، ۰/۶۷، ۰/۸۷، ۰/۶۹، ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۷۶ و ۰/۸۳ به دست آمد. برای بررسی روایی تفکیکی آزمون، ابتدا آزمون روی خانواده‌های مشکل‌دار در گروه نمونه بالینی اجرا و سپس با استفاده از دو روش، اعتبار زیرمقیاس‌ها و کل آزمون به دست آمد. به این ترتیب که ابتدا میانگین نمرات خانواده‌ها در هر زیرمقیاس با میانگین نمرات گروه بهنجار در همان مقیاس از طریق آزمون آماری مقایسه شد. برای بررسی پایایی کل آزمون نیز نیمرخ میانگین گروه بالینی با نیمرخ میانگین گروه هنجار مقایسه شد.

یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت بر حسب توزیع جغرافیای شهری از بین ۱۶۵۲ آزمودنی در گروه هنجار شهرهای تهران، یزد، مشهد، کرمانشاه، اصفهان، شیراز و تبریز به ترتیب ۱۳/۶، ۱۵/۳، ۱۳/۳، ۱۳/۱، ۱۴/۲، ۱۲/۶ و ۱۸/۱ درصد؛ بر حسب توزیع تعداد گروه نمونه فرزند، زن و شوهر به ترتیب ۳۳/۸، ۳۴/۹ و ۳۱/۴ درصد از حجم گروه نمونه را به خود اختصاص داده بودند. بر حسب سن آزمودنی‌ها میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر سن به ترتیب در گروه پدران ۴۶/۳۱، ۲۲، ۸۰؛ در گروه مادران ۴۱/۲۴، ۱۰/۱۸، ۱۸، ۷۶؛ و در گروه فرزندان ۲۱/۰۳، ۴/۸۳، ۱۱، ۴۶ سال بود. بر حسب توزیع تحصیلات پدران در گروه هنجار میزان تحصیلات بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و حوزوی به ترتیب ۱/۱، ۷/۲، ۱۱/۶، ۲/۰، ۳۱/۰، ۱۲/۱، ۲۴/۱، ۹/۲ و ۰/۲ درصد و بر حسب توزیع تحصیلات مادران در گروه هنجار میزان تحصیلات بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس

به ترتیب ۲/۳، ۱۵/۱، ۱۳/۶، ۳/۰، ۳۳/۷، ۷/۳، ۱۸/۸ و ۴/۲ درصد از حجم گروه نمونه را به خود اختصاص داده بودند. بر حسب توزیع تحصیلات فرزندان در گروه هنجار میزان تحصیلات ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه به ترتیب ۱/۰، ۱۰/۴، ۲۹/۰ و ۳۷/۶ درصد از حجم گروه نمونه را به خود اختصاص داده بودند. بر حسب توزیع ساختار خانواده در گروه هنجار زندگی با همسر بدون فرزند، زندگی با همسر و فرزند ناتنی، زندگی با همسر و فرزند تنی، زندگی با همسر، فرزندان والدین همسر، زندگی با فرزندان و فوت همسر، زندگی با فرزندان و طلاق از همسر و سایر موارد به ترتیب ۹/۶، ۰/۸، ۸۲/۷، ۲/۷، ۱/۴، ۰/۳ و ۱/۲ درصد از حجم گروه نمونه را به خود اختصاص داده بودند.

برازش آماری مدل اندازه‌گیری مقیاس تعاملات خانوادگی و رضایت خانوادگی با استفاده از نرم‌افزار LISREL8.8 (جورسکاک و سوربون^{۵۱}، ۲۰۰۵) مورد بررسی قرار گرفت. مدل مورد بررسی شامل الگوی دو عاملی مستقل^{۵۲} (السون، ۲۰۱۱) با بار شدن ۱۰ سؤال روی هر عامل بود. در جدول ۱ بارهای عاملی پژوهش حاضر، خطای استاندارد برآورد پارامترها و آزمون t برای بررسی معنی‌داری پارامترهای مقیاس تعاملات و رضایت خانوادگی ارائه شده است. با توجه به نقض مفروضه نرمال بودن توزیع اکثر سؤال‌ها از روش بیشینه درست‌نمایی مقاوم در برابر نقض مفروضه نرمال بودن توزیع^{۵۳} برای برآورد مدل و از شاخص‌های زیر برای برازش مدل استفاده شد: شاخص مجذور خی ساتورا - بنتلر^{۵۴} (χ^2)، شاخص نسبت مجذور خی بر درجه آزادی^{۵۵} (χ^2/df)، شاخص نیکویی برازش^{۵۶} (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی^{۵۷} (AGFI)، شاخص برازش مقایسه‌ای^{۵۸} (CFI)، خطای ریشه مجذور میانگین تقریب^{۵۹} (RMSEA) و باقیمانده مجذور میانگین^{۶۰} (RMR).

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی تأییدی سؤالات مقیاس تعاملات و رضایت خانوادگی

مقیاس	رضایت	تعاملات	رضایت	تعاملات	رضایت	تعاملات
شماره سؤال	بارهای عاملی		S. E		T. value	
۱	۰/۶۲	۰/۶۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۲۳/۴۰	۳۱/۶۷
۲	۰/۵۷	۰/۷۰	۰/۰۲	۰/۰۲	۲۷/۳۳	۳۳/۲۸
۳	۰/۶۶	۰/۶۹	۰/۰۲	۰/۰۲	۲۴/۵۹	۲۷/۸۳
۴	۰/۶۵	۰/۶۳	۰/۰۲	۰/۰۲	۲۳/۷۳	۲۶/۶۰
۵	۰/۷۳	۰/۸۰	۰/۰۲	۰/۰۲	۳۲/۷۹	۲۹/۰۷
۶	۰/۷۲	۰/۶۳	۰/۰۲	۰/۰۲	۲۴/۷۴	۳۳/۰۳
۷	۰/۶۸	۰/۶۳	۰/۰۲	۰/۰۲	۲۲/۸۸	۲۶/۴۴
۸	۰/۷۸	۰/۷۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۲۷/۷۴	۳۳/۸۱
۹	۰/۷۳	۰/۵۲	۰/۰۲	۰/۰۳	۱۷/۳۹	۳۱/۳۲
۱۰	۰/۵۳	۰/۷۱	۰/۰۳	۰/۰۲	۲۷/۴۹	۱۷/۴۷

برازش مدل مورد بررسی حاکی از آن است که مدل تک‌عاملی مقیاس تعاملات خانوادگی برازش خوبی دارد. به عبارتی نتایج پژوهش از مدل تک‌بعدي حمايت می‌کند ($\chi^2=226.40$, Satorra-Bentler=226.40). برای مقیاس رضایت خانوادگی نیز برازش مدل مورد بررسی حاکی از آن است که مدل تک‌عاملی مقیاس رضایت خانوادگی برازش خوبی دارد. به عبارتی نتایج پژوهش از مدل تک‌بعدي حمايت می‌کند ($\chi^2=280.13$, Satorra-Bentler=280.13). از همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های رضایت خانوادگی و تعاملات خانوادگی 0.66 ($p < 0.01$) به دست آمد.

بر اساس نتایج آلفای کرونباخ میزان اعتبار نمره کل مقیاس تعاملات خانوادگی برای پدران، مادران و فرزندان خانواده به ترتیب 0.88 ، 0.87 و 0.89 و ضریب توافق بین ارزیابی‌کنندگان 0.77 به دست آمد. ضریب اعتبار بازآزمایی نیز نمره کل مقیاس تعاملات خانوادگی در طول 20 روز بعد از اجرای اول، برای پدران، مادران و فرزندان خانواده به ترتیب 0.68 ، 0.59 و 0.57 به دست آمد که این مقادیر همبستگی بیانگر ثبات نمرات مقیاس تعاملات خانوادگی در طول زمان است. برای مقیاس رضایت خانوادگی نیز نتایج آلفای کرونباخ حاکی از آن بود که میزان اعتبار نمره کل مقیاس رضایت خانوادگی برای پدران، مادران و فرزندان خانواده به ترتیب 0.90 ، 0.88 و 0.89 و ضریب توافق بین ارزیابی‌کنندگان 0.79 است. ضریب اعتبار بازآزمایی، نمره کل مقیاس رضایت خانوادگی در طول 20 روز بعد از اجرای اول برای پدران، مادران و فرزندان خانواده به ترتیب 0.76 ، 0.68 و 0.57 به دست آمد که این مقادیر همبستگی بیانگر ثبات نمرات مقیاس رضایت خانوادگی در طول زمان است.

جدول ۲: همبستگی مقیاس‌های تعاملات خانوادگی و رضایت خانوادگی با متغیرهای همگرا و واگرا

خرده‌مقیاس	تعاملات خانوادگی	رضایت خانوادگی
آشنفتگی والدین	-0.68^{**}	-0.71^{**}
تعامل ناکارآمد کودک - والدین	-0.64^{**}	-0.62^{**}
ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین	-0.58^{**}	-0.48^{**}
استرس	-0.51^{**}	-0.49^{**}
اضطراب	-0.46^{**}	-0.54^{**}
افسردگی	-0.48^*	-0.49^{**}
درونی‌سازی مشکلات رفتاری	-0.44^*	-0.43^*
برونی‌سازی مشکلات رفتاری	-0.53^{**}	-0.49^{**}
وقایع زندگی	-0.61^{**}	-0.67^{**}

** معنی‌داری در سطح 0.01

نتایج ماتریس همبستگی جدول ۲ حاکی از آن است که بین خرده‌مقیاس‌های استرس فرزندپروری با تعاملات و رضایت خانوادگی همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/01$). به عبارتی، می‌توان گفت موقعیت‌های استرس‌زای فرزندپروری با کارکرد مثبت خانوادگی رابطه منفی دارد. بین خرده‌مقیاس‌های استرس، اضطراب و افسردگی در خانواده با تعاملات و رضایت خانوادگی همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/01$). به عبارتی، می‌توان گفت اختلال‌های خلقی منفی با ابعاد و کارکرد مثبت خانوادگی رابطه منفی دارد و با کژکنشی در عملکرد خانواده همایند می‌گردد.

بین خرده‌مقیاس‌های درونی‌سازی و برونی‌سازی مشکلات رفتاری در کودکان خانواده با تعاملات و رضایت خانوادگی (به عنوان کارکردهای مثبت خانواده) همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/01$). به عبارتی می‌توان گفت افزایش تنش و مشکلات رفتاری در کودکان خانواده با عملکردهای منفی خانواده و کاهش این مشکلات با کارکردهای مثبت خانوادگی در ارتباط است.

جدول ۳: توزیع نمرات استاندارد تعاملات خانوادگی

رتبه درصدی	نمره t	نمره Z	فراوانی نسبی	فراوانی	نمره خام	رتبه درصدی	نمره t	نمره Z	فراوانی نسبی	فراوانی	نمره خام
۰/۱۳	۳۸/۵۵	-۱/۱۵	۲/۱۰	۳۴	۳۰	۰/۰۰۴	۱۶/۴۶	-۳/۳۵	۰/۱	۱	۸
۰/۱۵	۳۹/۶۳	-۱/۰۴	۲/۵۰	۴۱	۳۱	۰/۰۰۲	۲۲/۴۶	-۲/۷۵	۰/۴	۷	۱۰
۰/۱۷	۴۰/۶۵	-۰/۹۴	۲/۲۰	۳۷	۲۲	۰/۰۰۷	۲۴/۹۵	-۲/۵۰	۰/۲	۳	۱۱
۰/۲۰	۴۱/۶۸	-۰/۸۳	۳/۱۰	۵۱	۳۳	۰/۰۰۸	۲۵/۷۸	-۲/۴۲	۰/۱	۲	۱۲
۰/۲۴	۴۲/۸۷	-۰/۷۱	۳/۶۰	۵۹	۳۴	۰/۰۰۱	۲۶/۵۹	-۲/۳۴	۰/۲	۴	۱۳
۰/۲۷	۴۴/۰۱	-۰/۶۰	۳/۵۰	۵۷	۳۵	۰/۰۰۱	۲۷/۲۸	-۲/۲۷	۰/۱	۲	۱۴
۰/۴۰	۴۵/۰۱	-۰/۵۰	۳/۰۰	۵۰	۳۶	۰/۰۰۱	۲۷/۸۷	-۲/۲۱	۰/۲	۴	۱۵
۰/۳۵	۴۶/۱۸	-۰/۳۸	۵/۰۰	۸۳	۳۷	۰/۰۰۲	۲۸/۴۷	-۲/۱۵	۰/۲	۳	۱۶
۰/۵۰	۴۷/۶۴	-۰/۲۴	۵/۶۰	۹۲	۳۸	۰/۰۰۲	۲۹/۰۱	-۲/۱۰	۰/۲	۴	۱۷
۰/۴۷	۴۹/۳۳	-۰/۰۷	۷/۱۰	۱۱۷	۳۹	۰/۰۰۲	۲۹/۶۲	-۲/۰۴	۰/۳	۵	۱۸
۰/۵۶	۵۱/۴۲	-۰/۱۴	۸/۷۰	۱۴۴	۴۰	۰/۰۰۲	۳۰/۱۰	-۱/۹۹	۰/۲	۳	۱۹
۰/۶۳	۵۳/۳۶	-۰/۳۴	۵/۶۰	۹۲	۴۱	۰/۰۰۳	۳۰/۴۴	-۱/۹۶	۰/۲	۳	۲۰
۰/۶۹	۵۴/۹۵	-۰/۴۹	۵/۵۰	۹۱	۴۲	۰/۰۰۳	۳۰/۷۵	-۱/۹۲	۰/۲	۳	۲۱
۰/۷۴	۵۶/۴۶	-۰/۶۵	۴/۲۰	۷۰	۴۳	۰/۰۰۳	۳۱/۴۶	-۱/۸۵	۰/۷	۱۲	۲۲
۰/۷۹	۵۸/۱۰	-۰/۸۱	۵/۳۰	۸۸	۴۴	۰/۰۰۴	۳۲/۵۵	-۱/۷۵	۰/۹	۱۵	۲۳
۰/۸۴	۵۹/۹۰	-۰/۹۹	۳/۸۰	۶۲	۴۵	۰/۰۰۵	۳۳/۳۰	-۱/۶۷	۰/۴	۷	۲۴
۰/۸۸	۶۱/۵۴	۱/۱۵	۳/۳۰	۵۴	۴۶	۰/۰۰۵	۳۳/۸۹	-۱/۶۱	۰/۷	۱۲	۲۵
۰/۹۱	۶۳/۳۰	۱/۳۳	۲/۹۰	۴۸	۴۷	۰/۰۰۶	۳۴/۸۳	-۱/۵۲	۱/۴	۲۳	۲۶
۰/۹۳	۶۵/۰۲	۱/۵۰	۱/۹۰	۳۱	۴۸	۰/۰۰۸	۳۵/۷۹	-۱/۴۲	۱/۱	۱۸	۲۷
۰/۹۵	۶۶/۹۳	۱/۶۹	۲/۲۰	۳۶	۴۹	۰/۰۰۹	۳۶/۶۸	-۱/۳۳	۱/۵	۲۵	۲۸
۰/۹۸	۷۱/۲۱	۲/۱۲	۳/۲۰	۵۳	۵۰	۰/۰۲۰	۳۷/۵۹	-۱/۲۴	۱/۵	۲۵	۲۹

بین مقیاس وقایع زندگی خانوادگی با تعاملات و رضایت خانوادگی همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/01$). به عبارتی می‌توان گفت با افزایش مشکلات، وقایع ناگوار و تنش‌زایی مثل مرگ و میر، طلاق، بیکاری و غیره در خانواده با عملکردهای منفی خانواده و کاهش این وقایع با کارکردهای مثبت خانوادگی ارتباط وجود دارد.

جدول ۴: توزیع نمرات استاندارد خرده‌مقیاس رضایت خانوادگی

رتبه درصدی	نمره t	نمره Z	فراوانی نسبی	فراوانی	نمره خام	رتبه درصدی	نمره t	نمره Z	فراوانی نسبی	فراوانی	نمره خام
۰/۱۲	۳۸/۳۶	-۱/۱۶	۲/۱	۳۴	۳۱	۰/۰۰۴	۱۶/۴۷	-۳/۳۵	۰/۱	۱	۵
۰/۱۵	۳۹/۶۲	-۱/۰۴	۳/۱	۵۲	۳۲	۰/۰۰۲	۲۱/۲۱	-۲/۸۸	۰/۲	۴	۱۰
۰/۱۹	۴۱/۰۴	-۰/۹۰	۳/۶	۵۹	۳۳	۰/۰۰۳	۲۳/۱۲	-۲/۶۹	۰/۱	۱	۱۲
۰/۲۲	۴۲/۴۴	-۰/۷۶	۳/۹	۶۵	۳۴	۰/۰۰۴	۲۳/۶۷	-۲/۶۳	۰/۱	۱	۱۳
۰/۲۶	۴۳/۶۲	-۰/۶۴	۳/۱	۵۱	۳۵	۰/۰۰۵	۲۴/۵۸	-۲/۵۴	۰/۳	۳	۱۴
۰/۳۰	۴۴/۸۶	-۰/۵۱	۴/۸	۸۰	۳۶	۰/۰۰۷	۲۵/۶۴	-۲/۴۴	۰/۳	۳	۱۶
۰/۳۵	۴۶/۱۰	-۰/۳۹	۳/۶	۵۹	۳۷	۰/۰۰۹	۲۶/۲۲	-۲/۳۸	۰/۱	۱	۱۷
۰/۳۹	۴۷/۱۵	-۰/۲۹	۳/۹	۶۵	۳۸	۰/۰۱	۲۷/۲۹	-۲/۲۷	۰/۵	۸	۱۸
۰/۴۳	۴۸/۳۶	-۰/۱۶	۵/۰	۸۲	۳۹	۰/۰۲	۲۸/۴۹	-۲/۱۵	۰/۳	۵	۱۹
۰/۴۹	۴۹/۸۲	-۰/۰۲	۶/۱	۱۰۰	۴۰	۰/۰۲	۲۹/۳۷	-۲/۰۶	۰/۴	۷	۲۰
۰/۵۶	۵۱/۴۱	-۰/۱۴	۵/۹	۹۷	۴۱	۰/۰۲	۳۰/۰۰	-۲/۰۰	۰/۲	۳	۲۱
۰/۶۱	۵۲/۷۹	-۰/۲۸	۴/۴	۷۲	۴۲	۰/۰۳	۳۰/۴۰	-۱/۹۶	۰/۲	۴	۲۲
۰/۶۶	۵۴/۲۵	-۰/۴۳	۶/۰	۹۹	۴۳	۰/۰۳	۳۱/۰۲	-۱/۹۰	۰/۵	۸	۲۳
۰/۷۳	۵۶/۱۱	-۰/۶۱	۶/۳	۱۰۴	۴۴	۰/۰۳	۳۱/۷۰	-۱/۸۳	۰/۴	۷	۲۴
۰/۷۹	۵۷/۹۰	-۰/۷۹	۴/۲	۷۰	۴۵	۰/۰۴	۳۲/۲۷	-۱/۷۷	۰/۴	۷	۲۵
۰/۸۳	۵۹/۶۳	-۰/۹۶	۴/۷	۷۷	۴۶	۰/۰۴	۳۲/۹۹	-۱/۷۰	۰/۸	۱۳	۲۶
۰/۸۷	۶۱/۴۱	-۱/۱۴	۳/۱	۵۱	۴۷	۰/۰۵	۳۳/۹۴	-۱/۶۱	۱	۱۷	۲۷
۰/۹۱	۶۳/۳۹	-۱/۳۴	۳/۹	۶۴	۴۸	۰/۰۷	۳۴/۹۱	-۱/۵۱	۱/۲	۱۹	۲۸
۰/۹۴	۶۵/۶۴	-۱/۵۶	۳/۱	۳۴	۴۹	۰/۰۸	۳۵/۹۷	-۱/۴۰	۱/۶	۲۷	۲۹

در جداول ۳ و ۴ نمرات خام، فراوانی مطلق، فراوانی نسبی، نمره Z، نمره t و رتبه درصدی مقیاس‌های تکمیلی تعاملات و رضایت خانوادگی ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مدل مدور سیستم‌های خانواده و زوجی یکی از مدل‌های برجسته در حوزه پژوهش خانواده و خانواده درمانی است و آخرین نسخه ابزار خودسنجی آن (FACES IV) از پرکاربردترین ابزارهای ارزیابی و سنجش خانواده در جهان به شمار می‌رود. این ابزار که به صورت یک پکیج ۶۲ سؤالی طراحی شده، شامل مقیاس ۴۲ سؤالی اصلی FACES IV و دو مقیاس ۱۰ سؤالی تکمیلی تعاملات

خانوادگی (FCS) و رضایت خانوادگی (FSS) است. در باب بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ۴۲ سؤالی FACES IV چه در ایران و چه در کشورهای دیگر پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته، اما تاکنون، با وجود اهمیت دو مقیاس تکمیلی تعاملات و رضایت خانوادگی استفاده از این دو مقیاس خودگزارشی به دلیل عدم آماده‌سازی و موجود نبودن نرْم‌های ملی برای روان‌شناسان و روان‌پزشکان ایرانی مقدر نبوده است. از این رو پژوهش حاضر به منظور هنجاریابی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی هم‌چون پایایی، اعتبار و تعیین نقطه برش این ابزارها برای استفاده محققان، روان‌شناسان و روان‌پزشکان ایران طرح‌ریزی و اجرا گردید.

هدف اول پژوهش حاضر بررسی ساختار عاملی مقیاس‌های تعاملات و رضایت خانوادگی بود که بدین منظور از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. بررسی میزان تفاوت برازش مدل در هر دو مقیاس با بار شدن ۱۰ سؤال هر مقیاس روی یک عامل از تک‌عاملی بودن این دو مقیاس حمایت می‌کند. با توجه به شاخص‌های برازش، شاخص‌های CFI، AGFI، GFI بر برازش بسیار مطلوب و بسیار مناسب دلالت دارد و شاخص‌های RMSEA و RMR بر برازش مطلوب و مناسب دلالت دارد (وست، فینچ و کوران، ۱۹۹۵). این یافته با نتایج پژوهش‌های السون و همکاران (۲۰۰۶)، السون (۲۰۱۱)، کوترا و همکاران (۲۰۱۲) و میرنیکس و همکاران (۲۰۱۰) هم‌سو است.

هدف دوم پژوهش حاضر بررسی اعتبار دو مقیاس تعاملات و رضایت خانوادگی بود که برای نیل به این منظور از ضریب آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای هر دو مقیاس بالای ۰/۸۰ بود که این امر از همسانی درونی مطلوب مقیاس‌های تعاملات و رضایت خانوادگی حکایت می‌کند. ضریب اعتبار بازآزمایی در طول ۲۰ روز بعد از اجرای اول برای هر دو مقیاس نیز در حد رضایت‌بخشی به دست آمد که نشان‌دهنده ثبات آن‌ها در طول زمان است. این یافته‌ها با یافته‌های به دست آمده در پژوهش‌های السون و همکاران (۲۰۰۶)، السون (۲۰۱۱)، اخلاق و همکاران (۲۰۱۳)، بایوکو و همکاران (۲۰۱۳)، ریور و همکاران (۲۰۱۰)، کوترا و همکاران (۲۰۱۲)، گراکا پریرا و تکسیرا (۲۰۱۲) و میرنیکس و همکاران (۲۰۱۰) هم‌سو می‌باشد.

هدف سوم پژوهش، بررسی روایی همگرا و واگرای هم‌زمان مقیاس‌های تعاملات و رضایت خانوادگی بود که به این منظور از مقیاس‌های معتبر سلامت خلقی، استرس فرزندپروری، مشکلات رفتاری کودکان و وقایع زندگی استفاده شد. نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که بین مقیاس‌های تکمیلی تعاملات و رضایت خانوادگی با خرده‌مقیاس‌های استرس فرزندپروری، خرده‌مقیاس‌های استرس، اضطراب و افسردگی، خرده‌مقیاس‌های درونی‌سازی و برونی‌سازی مشکلات رفتاری در کودکان و وقایع زندگی خانوادگی همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/01$). به عبارت دیگر موقعیت‌های استرس‌زای فرزندپروری، اختلال‌های خلقی منفی، با افزایش تنش و مشکلات رفتاری در کودکان خانواده و افزایش مشکلات، وقایع ناگوار و تنش‌زایی مثل مرگ و میر، طلاق،

بیکاری و غیره در خانواده با کاهش میزان رضایت و تعاملات خانواده همراه است. این یافته هم‌سو با نتایج پژوهش‌های السون (۲۰۱۱)، بایوکو و همکاران (۲۰۱۳)، ریور و همکاران (۲۰۱۰)، کوترا و همکاران (۲۰۱۲) و میرنیکس و همکاران (۲۰۱۰) است که نشان داده‌اند رضایت و تعاملات خانوادگی با کارکردهای مثبت خانواده رابطه مثبت و با کارکردهای منفی خانواده رابطه منفی دارد.

هدف آخر پژوهش، تعیین توزیع نمرات Z و t معادل نمرات خام مقیاس‌های تعاملات و رضایت خانوادگی بود. بررسی توزیع داده‌های نمرات خام این دو مقیاس نشان داد که با آزمون کلموگروف اسمیرنوف دارای توزیع مثبت است. با توجه به توزیع مثبت داده‌های خام، استفاده از آمارهای میانگین و انحراف معیار در تفسیر نمرات فردی آزمودنی‌ها درست نیست. بنابراین با تبدیل نمرات خام به رتبه درصدی، نمره Z و t قابلیت تفسیر نمرات مقیاس‌های تکمیلی تعاملات و رضایت خانوادگی ایجاد گردید. این امر اطلاعات استاندارد را درباره تعامل و رضایت خانوادگی ارائه می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای مقایسه نمره‌های افراد با یک ملاک هنجار در نظر گرفته شود.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش کنونی دو مقیاس تکمیلی تعاملات و رضایت خانوادگی می‌توانند به عنوان ابزارهایی پایا و روا در خدمت متخصصان بالینی و پژوهشگران حوزه خانواده قرار گیرند. با وجود کاربردها و یافته‌های قابل توجه پژوهش حاضر، این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز هست که در ادامه به آن اشاره می‌شود. با توجه به جوان بودن جامعه ایرانی و گستره نمونه در هفت استان بزرگ کشور، در رابطه با حجم نمونه این مطالعه تا حدی جای تأمل و احتیاط وجود دارد و پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی از حجم نمونه بیشتری استفاده شود.

گروه نمونه بالینی از لحاظ تنوع موضوعی مشکلات خانواده و تفکیک آن‌ها بر حسب حجم نمونه، نسبتاً کم بود و لذا توصیه می‌شود در مطالعات بعدی برای نمونه‌گیری گروه بالینی، تنوع و حجم بیشتری در نظر گرفته شود. با توجه به نمونه‌گیری خانواده‌محور (مراجعه حضوری به منازل) و دامنه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال گروه نمونه نوجوان، برخی از نوجوانان شاغل به کار، ساکن دارالتأدیباتها و زندان‌ها را شامل نمی‌شود.

بنابراین در تعمیم نتایج به گروه‌های خاص باید احتیاط شود و پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی این افراد نیز لحاظ گردند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده اثرات زمینه‌های فرهنگی و فردی مانند اثر متغیرهای شخصیتی و ارزش‌های فرهنگی بر رضایت و تعامل خانواده سنجیده و به مقایسه‌های بین‌فرهنگی تعامل و رضایت خانواده نیز پرداخته شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Cohesion
2. Flexibility
3. Barber & Buehler

31. Craddock
32. Laghi, Baiocco, Lonigro, Capacchione & Baumgartner
33. Rivero, Martinez-Pampliega & Olson

4. Doherty & Hovander
5. Werner, Greenberg & McKenna
6. Olson, Sprenkle & Russell
7. Circumplex model of marital and family systems
8. Communication
9. Balanced
10. Un-balanced
11. Baiocco, Cacioppo, Laghi & Tafa
12. Kabacoff, Miller, Bishop, Epstein & Keitner
13. Skinner, Steinhauer & Santa-Barbara
14. Beavers & Hampson
15. Moos & Moss
16. Caprara, Regalia, Scabini, Barbaranelli & Bandura
17. Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scales (FACES)
18. Olson, Bell & Portner
19. Lavee
20. Kouneski
21. Olson, Gorall & Tiesel
22. Disengaged
23. Enmeshed
24. Chaotic
25. Rigid
26. Family satisfaction
27. Peterson & Green
28. Olson & Barnes
29. Olson & Wilson
30. Franklin, Streeter & Springer
34. Mirnics, Vargha, Toth, M & Bagdy
35. Koutra, Triliva, Roumeliotaki, Lionis & Vgontzas
36. Graca Pereira & Teixeira
37. Akhlaq, Iqbal Malik & Aslam Khan
38. Parenting Stress Index- Short Form (PSI-SF)
39. Abidin
40. Reitman, Currier & Stickle
41. Silovsky, J. F. , & Niec
42. Parental distress
43. Parent-child dysfunctional interaction
44. Difficult child
45. Internalizing
46. Externalizing
47. Child Behavior Check List (CBCL)
48. Convergent and divergent validity
49. Lovibond & Lovibond
50. Achenbach
51. Joreskog & Sorbom
52. Two-factor orthogonal model
53. Maximum likelihood robust procedure
54. Satorra-Bentler Scaled Chi-Square
55. Degree of freedom (df)
56. Goodness of Fit Index (GFI)
57. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
58. Comparative Fit Index (CFI)
59. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
60. Root Mean Square Residual (RMR)

منابع

فدایی، ز. (۱۳۸۷). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی فرم کوتاه - شاخص استرس فرزندپروری (PSI-SF) در مادران کودکان عادی ۷-۱۲ سال شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی. حبیبی عسگرآباد، م؛ بشارت، م؛ فدایی، ز. و نجفی، م. (۱۳۸۸). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس مشکلات رفتاری نوجوانان ایشنباخ (YSR): دوقلوهای همسان و ناهمسان. *مجله روان شناسی بالینی*، ۱(۱): ۱-۲۱.

کاکابرایی، ک؛ حبیبی عسگرآباد، م. و فدایی، ز. (۱۳۸۷). هنجاریابی مقیاس مشکلات رفتاری ایشنباخ: فرم خودگزارشگری ۱۸-۱۱ سال کودک و نوجوان روی دانش آموزان مقطع متوسطه. *مجله پژوهش در سلامت روان شناختی*، ۴، ۶۶-۵۰.

Abidin, R. (1995). Parenting Stress Index. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources. Inc.

Achenbach, T. M. (1991). Integrative guide for the 1991 CBCL/4-18, YSR, and TRF profiles: Department of Psychiatry, University of Vermont Burlington.

- Akhlaq, A., Iqbal Malik, N., & Aslam Khan, N. (2013). Family Communication and Family System as the Predictors of Family Satisfaction in Adolescents. *Science Journal of Psychology*, 32, 65-70.
- Baiocco, R., Cacioppo, M., Laghi, F., & Tafa, M. (2013). Factorial and construct validity of FACES IV among Italian adolescents. *Journal of Child and Family Studies*, 22: 962–970.
- Barber, B. K., & Buehler, C. (1996). Family cohesion and enmeshment: Different constructs, different effects. *Journal of Marriage and the Family*, 58, 433-441.
- Barnes, H. L., & Olson, D. H. (1985). Parent-adolescent communication and the circumplex model. *Child Development*, 56, 438-447.
- Beavers, W. B., & Hampson, R. B. (1990). *Successful families: Assessment and intervention*. New York: Norton.
- Caprara, G. V., Regalia, C., Scabini, E., Barbaranelli, C., & Bandura, A. (2004). Assessment of filial, parental, marital, and collective family efficacy beliefs. *European Journal of Psychological Assessment*, 20, 247-261.
- Craddock, A. E. (2001). Family system and family functioning: Circumplex model and FACES IV. *Journal of Family Studies*, 7, 29-39.
- Dehghani, M., Habibi, M., & Khatibi, A. (2013). Factor Structure Examination and Psychometric Properties of Depression, Anxiety, Stress Scales-42 (DASS). The 13th European Congress of Psychology, 9–12 July, Sweden, Stockholm.
- Doherty, W. J., & Hovander, D. (1990). Why don't family measures of cohesion and control behave the way they're supposed to? *American Journal of Family Therapy*, 18, 5-8.
- Franklin, C., Streeter, C. L., & Springer, D. W. (2001). Validity of the FACES IV family assessment measure. *Journal of Research on Social Work Practice*, 5, 576-596.
- Gorall, D. M. (2002). FACES IV and the circumplex model of marital & family systems (Doctoral dissertation, University of Michigan, 2002). *Dissertation Abstracts International*, 63.
- Graca Pereira, M., & Teixeira, R. (2013). Portuguese Validation of FACES-IV in Adult Children Caregivers Facing Parental Cancer. *Journal of Contemporary Family Therapy*, 35, 478- 490.
- Jöreskog, K., & Sörbom D. (2005). LISREL 8. 72: User's guide. Chicago: Scientific Software International.
- Kabacoff, R. L., Miller, I. W., Bishop, D. S., Epstein, N. B., & Keitner, G. I. (1990) A psychometric study of the McMaster Family Assessment Device in psychiatric, medical and nonclinical samples. *Journal of Family Psychology*, 3, 431-439.
- Kouneski, E. F. (2000). The family circumplex model, FACES II and FACES III: Overview of research and applications. *Recuperado el*. 1, 04-9.
- Koutra, K., Triliva, S., Roumeliotaki, T., Lionis, C., & Vgontzas, A. N. (2012). Cross-Cultural Adaptation and Validation of the Greek Version of the Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scales IV Package (FACES IV Package). *Journal of Family Issues*, 32, 5. 1- 26.
- Laghi, F., Baiocco, R., Lonigro, A., Capacchione, G., & Baumgartner, E. (2012). Family functioning and binge drinking among Italian adolescents. *Journal of Health Psychology*. 5, 1- 10.

- Lovibond, P. F., & Lovibond, S. H. (1995). The structure of negative emotional states: Comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Journal of Behaviour research and therapy*, 33, 335-43.
- Mirnic, Z., Vargha, A., Toth, M., & Bagdy, E. (2010). Cross-cultural applicability of FACES IV. *Journal of Family Psychotherapy*, 21, 17-33.
- Moos, R. H. & Moss, B. S. (1983) Adaptation and the quality of life in work and family settings. *Journal of Community Psychology*, 11, 158-170.
- Olson, D. H. & Wilson, M. (1982). Family satisfaction. In D. H. Olson (Ed.). *Families: What makes them work?* Newbury Park, CA: Sage Publishing.
- Olson, D. H. (1990). *Clinical rating scale for Circumplex Model*. St. Paul, MN: Family Social Science, University of Minnesota.
- Olson, D. H. (2011). FACES IV and the circumplex model: Validation study. *Journal of Marital and Family Therapy*, 37(1), 64-80.
- Olson, D. H., & Barnes, H. (2004). *Family communication*. Minneapolis: Life Innovations
- Olson, D. H., Bell, R. Q., & Portner, J. (1982). *FACES II: Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scales*. Minneapolis.
- Olson, D. H., Gorall, D. M., & Tiesel, J. W. (2006). *FACES IV. Package Administration Manual*. Unpublished manuscript.
- Olson, D. H., Portner, J., & Lavee, Y. (1987). Family adaptability and cohesion evaluation scales III. *Handbook of measurements for marriage and family therapy*.
- Olson, D. H., Sprenkle, D. H., & Russell, C. S. (1979). Circumplex model of marital and family systems, I: Cohesion and adaptability dimensions, family types, and clinical applications. *Family Process*, 18, 3-28.
- Olson, D., Gorall, D., & Tiesel, J. (2008). *Faces IV manual*. Minneapolis, MN: Life Innovations
- Peterson, R. & Green, S. (2009) *Families first: Keys to successful family functioning communication*. Virginia Tech: Virginia State University.
- Reitman, D., Currier, R. O., & Stickle, T. R. (2002). A critical evaluation of the Parenting Stress Index-Short Form (PSI-SF) in a head start population. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 31, 3, 384-392.
- Rivero, N., Martinez-Pampliega, A., & Olson, D. H. (2010). Spanish adaptation of the FACES IV questionnaire: Psychometric characteristics. *Family Journal: Family and Therapy for Couples and Families*, 18, 288-296.
- Silovsky, J. F., & Niec, L. (2002). Characteristics of young children with sexual behavior problems: a pilot study. *Child Maltreatment*, 7, 3, 187.
- Skinner, H. A., Steinhauer, P. D. & Santa-Barbara, J. (1983) The family assessment measure. *Canadian Journal of Community*, 2, 91-105.
- Werner, P. D., Green, R., Greenberg, J., Browne, T. L., & McKenna, T. E. (2001). Beyond enmeshment: Evidence for the independence of intrusiveness and closeness-care giving in married couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 27, 459-471.